



هفت‌نامه
اتیه‌نو
A T I Y E H N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:
ابراهیم رستمیان مقدم
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
تلفن تحریریه: ۶-۸۵۱۷۰۸۵
www.Atiyehnoweekly.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۹۱-۸۵۱۷۰۸۵
ناظر چاپ: علی توتونی

• **زیر پوست شهر-۱۶۵**
||| **• نسرین ظهیری** |||

بوی عناب؛ طعم سنجد

مرد آمد. خسته بود. خستگی مسافر از راه رسیده، حال و هوای خانه را تکان داد. مرد خوابید و خستگی از پنجره بیرون رفت. سفره ناهار پهن شد، نشست و بسته‌های کوچک زعفران را گذاشت روی میز. بوی زعفران، هوا را طعم‌دار کرد. فکرمان از مزه قدیمی و از دور آمده، خوشحال شد. خندیدیم. مرد از بیرجند آمده بود، شهر زعفران و سنجد و عناب مرغوب. دوست قدیمی که گاهی سری می‌زد به تهران ما. همیشه با خودش عناب مرغوب می‌آورد و سنجدهای دانه‌درشت و خوش طعم، برای مدت‌ها خانه‌مان بوی سنجد می‌داد و طعم عناب. این بار بسته‌های کوچک زعفران را گذاشت روی میز. باشمندگی که توی چشم‌های سیاه درشتش می‌غلبد، گفت: «روم سیاه خانم، دست خالی آمدم، روزگار دست خالی مان کرده.» نپرسیدم که روزگار چه کرده، اما غصه خودبه‌خود از مرد سر می‌رفت. غم حرف می‌شد و مرد حرف برای گفتن زیاد داشت: «خودتون که دیده بودید باغمون چقدر پهناور، توی بیرجند، هرسال خروار خروار عناب و سنجد برداشت می‌کردیم و خدا کمک می‌کرد و برکت داشت و سود می‌کردیم و تقار تعار می‌بخشیدیم. چند سال پیش، یک گروه چینی آمدند آن طرف‌ها، کود شیمیایی آوردند و به کشاورزها و باغدارها به قیمت ازانی فروختند. می‌گفتند محصولان درشت می‌شود و زیاد. خیلی‌ها خریدند. ما هم خریدیم. سنجد و عناب سال بعد شد اندازه گردو، محصول چند برابر شد و بیرجندی‌ها کیف کردند و چند برابر سود کردند، اما دو، سه سال که گذشت، خاک زمین‌ها تغییر رنگ داد. درختچه‌های عناب و سنجدهی تحلیل رفتند. چند سال پی‌درپی محصول، نامرغوب شد و نارس. محصول اصلا فروش نرفت، همه گیر شد توی بیرجند. مهندس کشاورزی و گیاهپزشک آوردیم خاک زمین را آزمایش کردند. نظرشان این بود که کودی که از چینی‌ها خریدیم و ریخته‌ایم پای محصول، باعث شده ریشه عناب و سنجدها بسوزد. درختچه‌هایی که مدت‌ها طول می‌کشید پا بگیرد و بار بیاورد، بعدا گفتند که چینی‌ها برای اینکه محصول خودشان بازار فروش داشته باشد، با برنامهریزی قبلی زمین‌ها و باغ‌ها را با کود نابارور کرده‌اند.» مرد زعفران را را پیشکش می‌کند، می‌گوید: «شرمنده دیگه عناب و سنجد نداریم، با هم سکوت می‌کنیم، با هم غصه می‌خوریم، با هم فکر می‌کنیم.

جایزه ادبی جلال آل احمد منتخبان خود را شناخت

یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، شنبه ۱۷ آذرماه، ساعت ۱۸، در تالار «قلم» کتابخانه ملی ایران با معرفی برگزیدگان این دوره به کار خود پایان داد. به گزارش «ایبنا»، در بخش رمان و داستان بلند «رهش» نوشته رضا امیرخانی، در بخش داستان کوتاه کتاب «زخم شیر» به قلم صمد طاهری، در بخش پژوهش و نقد ادبی «بلاغت ساختارهای نحوی در تاریخ بیهقی» به قلم «لیلا سیدقاسم» و در بخش مستندنگاری «الف لام خمینی» به قلم هدایت‌الله بهبودی و «رکاب‌زان در پی شمس» به قلم حسن کرمی قراملکی، به عنوان برگزیدگان و شایستگان تقدیر معرفی شدند.

میلاد

جایی برای حرف‌های خودمانی

طنز کارگری

زبان نرم و معترض سخت

بگیرم و بگویم: «افزایش ندیدی مشتی!» اما هر بار که این هوس در دلم بیدار می‌شود سعی می‌کنم بی‌خیال شوم، چون می‌ترسم همان وقت، یکی از آن خیلی قاطی تره‌ایش یقه‌ام را بگیرد و بچسباند به دیوار و بگوید: «اعتراض ندیدی مشتی!» در هر حال همه جا که مثل سرزمین زرخیز و پر گهر خودمان نیست که مسئولان امر بتوانند با زبانی منطقی و نرم و خوش، ما مردم را مجاب کنند که این گرانی‌های چندبرابری اصلا وجود ندارد و آن چیزی که ما احساس و مشاهده می‌کنیم توهمی بیش نیست. در آن طرف دنیا، گروهی پلیس بد اسب‌سوار وجود دارند که علاقه زیادی

به یوروی هوار تومانی می‌رسید، تا حالا صد بار خودشان را رسانده بودند به پاریس تادلی از عزای «بتروکون» در بیاورند. خب این هم یکی دیگر از خوبی‌های گرانی ارز! «**جلیقه‌زرد**» **صورت قرمز خوف!** **چنان آتش زدی در شهر پاریس که مکرون بس که سرا پا ماند دیروز خبر آمد که شد درگیر واریس** یعنی ملت این قدر بی‌جنبه و بی‌نمک نوبر است والله. از وقتی فهمیدم که این معترض‌های گرانی قیمت اجناس و نرخ مالیات به‌خاطر چند درصد افزایش افتاده‌اند وسط خیابان، هوس کردم پیاده راه پیفتم به سمت پاریس و یقه جلیقه تک‌تک‌شان را

• **سرعت گیر -۳۲**
||| **• عبدالله مقدمی** |||

حالا خیلی هم جالب نیست آدمی با یک جماعت عصبانی و قاطی که حتی زبان‌شان را هم بلد نیست، اختلاط کند. این طوری حتی اگر برایشان دعا هم بخوانی فکر می‌کنند از عوامل خودفروخته ماکرونی و ممکن است تبدیلت کنند به ماکارونی. بله دیگر؛ مشخص است که منظورمان چه گروهی‌اند. «جلیقه‌زردها» از هفته قبل آتشی در فرانسه راه انداخته‌اند که حتی بی‌جلیقه‌های چهارشنبه‌سوری‌باز ایرانی هم کف‌شان بریده است. یعنی اگر زورشان

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی:

چرا چابهار؟

است این عملیات در ادامه پروژه تبدیل ایران به یک سوریه دیگر است. در این خصوص نوشت: «چندی قبل اهواز مورد حمله تروریستی قرار گرفت و دیروز تروریست‌ها به چابهار حمله کرده و چند مأمور انتظامی را کشته و چند نفر را زخمی کردند. تسلیت به مردم ایران. این حملات قسمتی از برنامه سوریه‌ای کردن ایران است که کشور رایبشتر امنیتی می‌کند و در غایت، شکست خواهد خورد.» «علی سیستانی» اما دلیل اصلی تروریست‌ها را فراری دادن سرمایه‌گذاران از این منطقه استراتژیک می‌داند. او در این باره نوشت: «چرا به چابهار حمله شد؟! من بهتون میگم دلیل اصلی، فراری دادن سرمایه‌گذارانی است که به این بندر راهبردی اومدن. اخیرا هم چابهار از تحریم معاف شده بود! برای همین تروریست‌ها قلب تپنده اقتصاد استان رو هدف گرفتن. سعودی و عواملش سیلی سختی خواهند خورد شک نکنید.» «مینا ورشوچی» نیز در این رابطه نوشت: «حمله تروریستی چابهار یک پیام روش به ایران از طرف عربستان و اسرائیل است. با اخلال در امنیت نیز نمی‌گذاریم به اقتصاد برسید. امنیت در اقتصاد رکن اساسی است. آن‌ها پروژه غیرتحریمی ایران را نشانه گرفته‌اند. مسئولان باید مراقب اتفاقات بعدی باشند.»

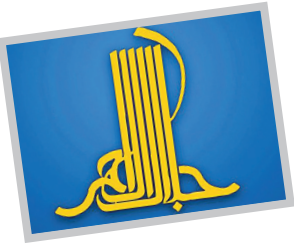
«سینا رحیم‌پور» نیز ناامن کردن چابهار برای سرمایه‌گذاری را دلیل وقوع این حادثه می‌داند. او در این باره نوشت: «چابهار قرار است یکی از شاهراه‌های اقتصادی و مبادلاتی دریای عمان باشد. هند و افغانستان روی بندر چابهار حساب ویژه‌ای

خود نوشت: «تروریست‌های مورد حمایت بیگانگان، افراد بی‌گناه را در چابهار کشته و زخمی کردند. قبلا هم صریحا گفته‌ایم، چنین جنایاتی بی‌مجازات نمی‌ماند؛ سال ۲۰۱۰ ما افراط‌گرایی را که از اسارات می‌آمدند، بازداشت کردیم. تاکید می‌کنم، ایران تروریست‌ها و اربابان‌شان را به‌سزای عملشان می‌رساند.» کاربری به‌نام «فرشته» نیز که می‌گوید دشمنان، امید ملت ایران را نشانه گرفته‌اند، در این باره نوشت: «حمله تروریستی چابهار و حمله تروریستی اهواز به یادم آورد که دشمنان این مرزوبوم برایشان شیعه و سنی فرقی ندارد، عرب و فارس و بلوچ فرقی ندارد. تنها امید ما را نشانه گرفته‌اند. یادم باشد که هنوز باید امید داشته باشیم به فردای بهتر در ایران آباد به کوری چشم آنان که نمی‌توانند ببینند.»

یکی دیگر از کاربران به نام «سعیده» نیز هم‌نظر با فرشته، به چند طرح مهم سرمایه‌گذاری در چابهار اشاره کرد و این طور از امید، گفت: «عملیات اجرایی سه طرح سرمایه‌گذاری در چابهار، احداث مخازن فرآورده‌های نفتی به روش B.O.T، انتقال نفت و گاز منطقه به بازارهای داخلی و خارجی، پروژه‌هایی بودند که امروز در چابهار کلید خورد. تروریست‌ها نمی‌توانند امید را از ما بگیرند. این روزها لزوم توسعه حقیقی استان بیش از پیش حس می‌شود.» اهداف و دلایل تروریست‌ها برای انتخاب بندر چابهار، یکی از پربحث‌ترین مطالب این روزهای شبکه‌های اجتماعی است و بسیاری از کاربران نیز در این خصوص به اظهارنظر پرداخته‌اند. «محسن میلانی» که معتقد

• **هشتک**
||| **• صدرا محقق** |||

صبح روز پنجشنبه پانزده آذرماه، در بندر زیبای «چابهار» که این روزها از آن به‌عنوان مقصد مهم گردشگری در جنوب‌شرقی ایران و یکی از بنادر مهم اقتصادی در دوره تحریم یاد می‌شود، یک عملیات تروریستی به‌وقوع پیوست، حادثه‌ای که در پی آن، دوتن از سربازان نیروی انتظامی به شهادت رسیدند و تعدادی از هم‌وطنانمان نیز مجروح شدند. این حادثه به‌سرعت واکنش گسترده کاربران شبکه‌های اجتماعی را در پی داشت تا «عملیات تروریستی چابهار» و چرایی انتخاب این شهر توسط تروریست‌ها، به بحث داغ شبکه‌های اجتماعی در روزهای اخیر تبدیل شود. «مهدی بختیاری» با انتشار تصاویری از دو شهید این عملیات تروریستی، این طور از سربازان شهید این حادثه تلخ، نوشت: «یک آن تصور کنید خودرو انتحاری به سمت شما می‌آید، چه کار می‌کنید؟ فرار می‌کنید یا می‌ایستید؟ این دونفر و دوستانشان ایستادند و هیولای مرگ را در بیرون محوطه متوقف کردند.» «امیر رشیدی» نیز در این باره نوشت: «هر نوع اقدام تروریستی توسط هر کسی محکوم است. باید به خانواده سربازان قربانی حادثه تروریستی چابهار تسلیت گفت و تلاش کرد چابهار مان و ایران عزیز، درد و رنج ناشی از این انفجار را پشت سر بگذارد. اگر سربازی رفته باشید، می‌دانید که سربازها قربانیان اول و آخر هستند.» محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در واکنش به این حادثه در صفحه توییتر



یکشنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۷ • شماره صد و هشتاد و یک

A T I Y E H N O

• **ساختمان نیمه‌کاره-۱۶۲**
||| **• مسعود مشایخی** |||

عادل و مادرش

دیگر سن و سالی از او گذشته. سومین دهه عمرش رو به پایان است و چیزی به دهه چهارم زندگی‌اش نمانده. باز اکت و کم حرف است. اما کار بلد و پرتوان. موقعیت اجتماعی و اقتصادی نسبتاً خوبی هم دارد. خانه‌ای از ارث پدری به او رسیده، ماشین هم دارد و کار و بارش هم بد نیست، اما هنوز ازدواج نکرده و فعلا قصدش را هم ندارد. تنها دلیل ازدواج نکردنش هم، وجود مادرش است. بعد از فوت پدر، همه خواهرها و برادرهایش ازدواج کرده و بی زندگی خودشان رفتند. او که بچه آخر و تهنقاری خانواده است، دلش نمی‌آید مادرش را تنها بگذارد. عصر که کار در ساختمان تعطیل می‌شود، سربع‌تر از همه بچه‌ها ساختمان را ترک می‌کند تا زود به خانه برسد و مادرش را از تنهایی در بیاورد. گاهی هم که بیکار است، مادرش را با خودش بیرون می‌رد تا حوصله‌اش سر نرود. از مادرش بگویم که یک فرشته زمینی است. پیرزنی مهربان و خوش‌رو. گرد پیری، موهایش را هم‌رنگ چهره‌اش، سفید و نورانی کرده. همیشه خنده محبت‌آمیزی بر لب دارد و بسیار دوست‌داشتنی است. یکی، دوباری که برای دیدن پسرش به ساختمان ما آمده، همه بچه‌ها را شیفته مهربانی و محبت‌هایش کرده. گاهی به حال عادل غبطه می‌خورم. اینکه تا این حد به مادرش توجه دارد و برایش وقت می‌گذارد قابل تقدیر است. در این دوران مدرنیته و سرعت روزافزون پیشرفت تکنولوژی، که همه شتاب آن را دارند که از همدیگر سبقت بگیرند و از قافله تجمد عقب نمانند، دوره‌ای که خانه‌های سالمندانمان پرروتق و مهر و محبت‌ها کمتر شده، از خودگذشتگی عادل نمود بیشتری پیدا می‌کند. وقتی از او علت ازدواج نکردنش را می‌پرسی، جواب این است که اولویت اولم برای زندگی آینده، مادرم است. چند جایی هم که به خواستگاری رفته، اولین شرط ازدواجش، زندگی در خانه پدری و نگهداری از مادر بوده. این روزها هم که اکثر خانم‌ها به دنبال زندگی مستقل هستند که حق طبیعی و قانونی آن‌ها هم است، از ازدواج با عادل صرف‌نظر کرده‌اند. می‌گوید دوست ندارم مادرم که این همه سال برای ما زحمت کشیده و بدون پدر، ما را بزرگ کرده، آواره خانه بچه‌هایش شود. اینکه هر هفته و هرروز خانه یکی از بچه‌هایش باشد برایش زجرآور است و نمی‌تواند آن را تحمل کند. نمی‌دانم عادل تا کی و کجا می‌خواهد ادامه بدهد و دوام بیاورد. تا کی می‌تواند از خودگذشتگی کند و جور خواهرها و برادرهایش را بکشد. تا چند سال دیگر می‌تواند قید تشکیل خانواده و صاحب زندگی شدن را بزند. اما هر چه هست، مهر و محبت و فداکاری و قدرشناسی عادل، قابل ستایش و تحسین برانگیز است. امیدوارم شرایط به‌گونه‌ای رقم بخورد که عادل به مراد دلش برسد و مادرش هم تنها و در بدر خانه فرزندانش نشود.



تامین اجتماعے در شبکه اجتماعے اینستاگرام

مشاهده ویدئوها و تصاویر تخصصی حوزه تامین اجتماعی

taminejtemaee

